

شناخت، رفتار، یادگیری

رابطه تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان: نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی

علیرضا صفرلویی^۱، نعیمة محب^۲، شهرام واحدی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فعالیت سازمانی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی بالینی، واحد علوم پزشکی تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: moheb.n@yahoo.com

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۰۸

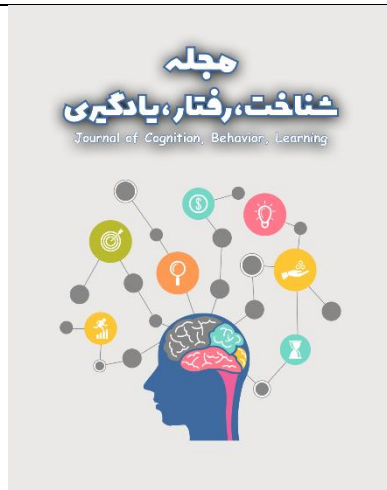
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

تاریخ چاپ: ۱۴۰۶/۰۲/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان انجام شد. این پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که از میان آنان ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تفکیک خویشتن، نسخه توسعه یافته مقیاس عینی وضعیت هویت ایگو، پرسشنامه پنج‌عاملی نئو، مقیاس استبدادگرایی جناح راست و مقیاس جهت‌گیری اجتماعی هاریسون بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS-۲۴ و AMOS-۲۴ تحلیل شدند. نتایج نشان داد تفکیک خویشتن اثر مستقیم معناداری بر نگرش سیاسی و اجتماعی نداشت، در حالی که هویت پیشرفته بر نگرش سیاسی اثر مستقیم معناداری داشت و هویت‌های پیشرفته، به‌تعمیق‌افتاده و زودشکل‌یافته به‌طور مستقیم نگرش اجتماعی را پیش‌بینی کردند. بازبودن به تجربه، رابطه تفکیک خویشتن با نگرش سیاسی ($\beta = -0.045$) و نگرش اجتماعی ($\beta = 0.046$) را به‌طور معناداری میانجی‌گری کرد و وظیفه‌شناسی نیز میانجی رابطه تفکیک خویشتن با نگرش اجتماعی بود ($\beta = 0.061$). بازبودن به تجربه همچنین در رابطه همه ابعاد هویت با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نقش میانجی معناداری داشت. توافق‌پذیری در برخی مسیرهای هویت به نگرش سیاسی و روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی در برخی مسیرهای هویت به نگرش اجتماعی نقش میانجی داشتند. شاخص‌های برازش مدل نیز مطلوب بودند ($\chi^2/df = 2.89$ ، $CFI = 0.94$ ، $GFI = 0.93$ ، $TLI = 0.95$ ، $RMSEA = 0.072$). ویژگی‌های شخصیتی، به‌ویژه بازبودن به تجربه و وظیفه‌شناسی، سازوکارهای مهمی در انتقال اثر تفکیک خویشتن و وضعیت‌های هویتی به نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان هستند و نشان می‌دهند که انعطاف‌پذیری شناختی و سازمان‌یافتگی درونی در شکل‌گیری جهت‌گیری‌های اجتماعی-سیاسی نقش اساسی دارند.

کلیدواژه‌گان: تفکیک خویشتن؛ ابعاد هویت؛ ویژگی‌های شخصیتی؛ نگرش سیاسی؛ نگرش اجتماعی.



شیوه استناددهی: صفرلویی، علیرضا، محب، نعیمة، و واحدی، شهرام. (۱۴۰۶). رابطه تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان: نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی. *شناخت، رفتار، یادگیری*، ۴(۲)، ۲۱-۱.



Cognition, Behavior, Learning

The Relationship Between Self-Differentiation and Identity Dimensions with Students' Political and Social Attitudes: The Mediating Role of Personality Traits

Alireza Safarloue¹, Naeimeh Moheb^{2*}, Shahram Vahedi³

1. PhD Student, Department of Organizational Activity, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, TaMS.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

3. Professor, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

*Corresponding Author's Email: moheb.n@yahoo.com

Submit Date: 2026-05-02

Revise Date: 2026-07-30

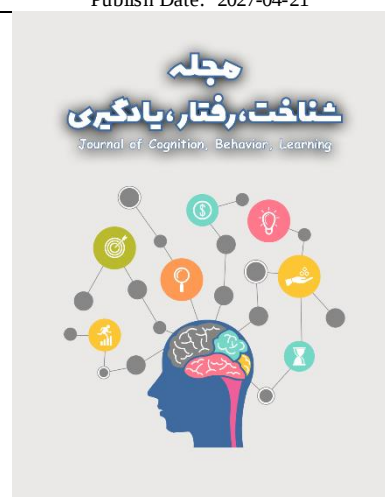
Accept Date: 2026-08-24

Publish Date: 2027-04-21

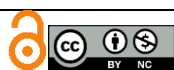
Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of personality traits in the relationships of self-differentiation and identity dimensions with university students' political and social attitudes. This descriptive-correlational study employed path analysis. The statistical population consisted of students at the Islamic Azad University, Tabriz Branch, during the 2023–2024 academic year, from whom 300 participants were selected through convenience sampling. Data were collected using the Self-Differentiation Questionnaire, Extended Objective Measure of Ego Identity Status, NEO Five-Factor Inventory, Right-Wing Authoritarianism Scale, and Harrison Social Orientation Scale. Pearson correlation and structural equation modeling were conducted using SPSS-24 and AMOS-24. Self-differentiation had no significant direct effect on political or social attitudes, whereas achieved identity exerted a significant direct effect on political attitude, and achieved, moratorium, and foreclosure identity statuses significantly predicted social attitude. Openness to Experience significantly mediated the relationship of self-differentiation with political attitude ($\beta=-0.045$) and social attitude ($\beta=0.046$), while Conscientiousness mediated the relationship between self-differentiation and social attitude ($\beta=0.061$). Openness to Experience also significantly mediated the relationships between all identity dimensions and both political and social attitudes. Agreeableness mediated selected pathways from identity statuses to political attitude, whereas Neuroticism and Conscientiousness mediated selected pathways from identity statuses to social attitude. The final structural model demonstrated acceptable fit indices ($\chi^2/df=2.89$, CFI=0.94, GFI=0.93, TLI=0.95, RMSEA=0.072). Personality traits, particularly Openness to Experience and Conscientiousness, constitute important mechanisms through which self-differentiation and identity statuses are associated with students' political and social attitudes. The findings underscore the importance of cognitive flexibility and internal organization in explaining the development of socio-political orientations among university students.

Keywords: *Self-Differentiation; Identity Dimensions; Personality Traits; Political Attitude; Social Attitude.*



How to cite: Safarloue, A., Moheb, M., Vahedi, Sh. (2027). The Relationship Between Self-Differentiation and Identity Dimensions with Students' Political and Social Attitudes: The Mediating Role of Personality Traits. *Cognition, Behavior, Learning*, 4(2), 1-21.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

دانشگاه صرفاً محیطی برای انتقال دانش تخصصی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جامعه‌پذیری جوانان و شکل‌گیری و بازسازمان‌دهی باورها، ارزش‌ها، هویت‌ها و جهت‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی آنان محسوب می‌شود. ورود به دانشگاه معمولاً با گسترش شبکه روابط اجتماعی، مواجهه با دیدگاه‌های متنوع، افزایش استقلال در تصمیم‌گیری و تجربه موقعیت‌هایی همراه است که فرد را به بازنگری در باورهای پیشین و ارزیابی جایگاه خود در جامعه ترغیب می‌کند. از این منظر، نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان را نمی‌توان صرفاً برآمده از شرایط محیطی یا متغیرهای جمعیت‌شناختی دانست، بلکه این نگرش‌ها در تعامل پیچیده میان ویژگی‌های فردی، فرایندهای هویتی، تجربه‌های خانوادگی و زمینه اجتماعی شکل می‌گیرند. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که خانواده و دانشگاه هر دو در شکل‌گیری نگرش‌های نوین اجتماعی و سیاسی دانشجویان نقش دارند و تجربه دانشگاهی می‌تواند زمینه بازاندیشی در ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم کند (Hashemian-Far et al., 2015). همچنین، قرارگرفتن دانشجویان در محیط دانشگاه و مواجهه آنان با تجارب تازه فرهنگی، اجتماعی و فکری می‌تواند ساختار شخصیت، هویت و شیوه مشارکت آنان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی را به یکدیگر پیوند دهد (Madahi et al., 2021). بنابراین، شناخت سازوکارهای روان‌شناختی مرتبط با شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان، برای فهم دقیق‌تر رفتار و مشارکت آنان در جامعه اهمیت زیادی دارد.

نگرش را می‌توان نوعی آمادگی شناختی، عاطفی و ارزشی برای ارزیابی اشخاص، گروه‌ها، رویدادها و موضوعات اجتماعی دانست که در جهت‌دهی به ادراک و رفتار فرد نقش دارد. نگرش‌های اجتماعی، چگونگی ارزیابی فرد از دیگران، روابط اجتماعی، گروه‌های اجتماعی و قواعد زندگی جمعی را منعکس می‌کنند و نگرش‌های سیاسی نیز مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها، باورها و گرایش‌های فرد درباره ساختار قدرت، اقتدار، ارزش‌های سیاسی، شیوه اداره جامعه و موضوعات عمومی را در بر می‌گیرند. با وجود اهمیت گسترده مفهوم نگرش، مطالعات جدید تأکید کرده‌اند که در تفسیر نگرش‌ها باید به پیچیدگی فرایندهای شناختی، زمینه‌ای و رفتاری توجه کرد و از فروکاستن آن‌ها به شاخص‌های ساده و منفرد اجتناب نمود (Sherman & Klein, 2021). در حوزه سیاسی نیز نگرش‌ها می‌توانند در ابعادی مانند محافظه‌کاری، اقتدارگرایی و سنت‌گرایی نمایان شوند و این ابعاد از نظر مفهومی و تجربی از یکدیگر متمایزند (Duckitt & Bizumic, 2013). افزون بر این، پژوهش‌های روان‌شناسی سیاسی نشان داده‌اند که انگیزه‌هایی مانند نیاز به نظم، حساسیت نسبت به تهدید، عدم تحمل عدم قطعیت و جست‌وجوی امنیت روان‌شناختی با برخی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک ارتباط دارند (Jost et al., 2017). این یافته‌ها نشان می‌دهند که برای تبیین نگرش سیاسی و اجتماعی باید از سطح عوامل بیرونی فراتر رفت و به ساختارهای درونی شخصیت و هویت نیز توجه کرد.

یکی از سازه‌هایی که می‌تواند در تبیین این فرایند نقش بنیادی داشته باشد، «تفکیک خویشتن» است. تفکیک خویشتن به توانایی فرد در حفظ استقلال فکری و عاطفی خود در عین برقراری ارتباط نزدیک با دیگران اشاره دارد. فرد دارای تفکیک خویشتن بالاتر قادر است میان افکار و هیجان‌های خود تمایز ایجاد کند، تحت فشارهای بین‌فردی یا گروهی کمتر دچار واکنش‌پذیری هیجانی شود و بدون قطع روابط اجتماعی، موضع فردی خود را حفظ کند. در چارچوب نظریه نظام‌های خانوادگی بوئن، تفکیک خویشتن یکی از مؤلفه‌های اساسی تحول فردی و عملکرد سالم در روابط محسوب می‌شود و کیفیت آن می‌تواند نحوه مواجهه افراد با فشارهای خانوادگی و اجتماعی را تعیین کند. در آثار معاصر خانواده‌درمانی نیز تأکید شده است که فرایند تفکیک خویشتن نه تنها در سطح خانواده، بلکه در نحوه عملکرد افراد در ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی معنا پیدا می‌کند و فشارهای اجتماعی می‌توانند همانند تنش‌های خانوادگی، گرایش فرد به همجوشی یا استقلال را فعال کنند (Goldenberg & Goldenberg, 2024).

شواهد پژوهشی نیز نشان می‌دهند که تفکیک خویشتن با طیفی از شاخص‌های روان‌شناختی و بین‌فردی مرتبط است. فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در خانواده‌های ایرانی نشان داده است که این سازه جایگاهی مهم در تبیین کیفیت روابط، تنظیم هیجانی و عملکرد روان‌شناختی دارد (Seyed-Majidi et al., 2023). همچنین، پژوهش‌های مربوط به مداخلات خانواده‌محور نشان داده‌اند که مهارت‌های حل مسئله و

فرایندهای تعاملی می‌توانند میزان تفکیک‌یافتگی زوجین را تحت تأثیر قرار دهند (Zein-Alabedini & Kakabarai, 2024). اعتبارسنجی ابزارهای سنجش این سازه در زمینه‌های فرهنگی مختلف نیز از ساختار چندبعدی آن، شامل واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه «من»، گسلش عاطفی و همجوشی با دیگران حمایت کرده است (Neophytou et al., 2021). افزون بر این، ارتباط تفکیک پایین با تنیدگی و برخی رفتارهای ناسازگارانه، اهمیت توانایی حفظ انسجام روان‌شناختی در شرایط فشار را برجسته می‌کند (Buser et al., 2019). بر این اساس می‌توان انتظار داشت فردی که در برابر فشار عاطفی یا اجتماعی از استقلال شناختی بیشتری برخوردار است، در مواجهه با موضوعات سیاسی و اجتماعی نیز کمتر تابع فشارهای گروهی بوده و ارزیابی‌های خود را بر پایه پردازش مستقل‌تری شکل دهد.

در کنار تفکیک خویشتن، هویت یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادی ساختار روان‌شناختی فرد است که می‌تواند جهت‌گیری او را در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی تعیین کند. هویت پاسخ نسبتاً منسجم فرد به پرسش «من کیستم؟» و چگونگی تعریف خود در ارتباط با ارزش‌ها، اهداف، تعهدات و عضویت‌های اجتماعی است. تحول هویت فرایندی ایستا نیست، بلکه از تعامل مداوم میان کاوش، ارزیابی و تعهد شکل می‌گیرد. پژوهش‌های جدید در حوزه هویت نشان می‌دهند که سبک‌های پردازش هویت و تعهدات هویتی در گذر زمان با گرایش‌های شناختی فرد رابطه متقابل دارند و شیوه پردازش اطلاعات می‌تواند مسیر تثبیت یا بازنگری هویت را تحت تأثیر قرار دهد (Berzonsky & Papini, 2022). همچنین، مفهوم هویت در رویکردهای معاصر به‌عنوان پدیده‌ای پویا، زمینه‌مند و وابسته به تجربه‌های فرد در نقش‌ها و بافت‌های مختلف اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (Sawatsky & Monrouxe, 2023). این امر نشان می‌دهد وضعیت هویتی فرد می‌تواند مبنایی برای تفسیر پدیده‌های اجتماعی و سیاسی باشد.

ابعاد هویتی همچنین با نحوه مشارکت و رفتار اجتماعی و سیاسی افراد مرتبط‌اند. افرادی که از تعهدات هویتی روشن و پردازش فعال‌تری برخوردارند، احتمالاً درباره مسائل اجتماعی و سیاسی نیز مواضع سازمان‌یافته‌تر و آگاهانه‌تری اتخاذ می‌کنند. در یک مطالعه درباره مشارکت سیاسی، نقش کنش هویتی در تبیین مشارکت سیاسی مورد تأیید قرار گرفته است که نشان‌دهنده پیوند میان نحوه تعریف فرد از خود و مشارکت او در عرصه عمومی است (Dastouri et al., 2023). به همین ترتیب، ابعاد هویت فرهنگی جمعی با مشارکت اجتماعی شهروندان ارتباط دارند و احساس تعلق و تعریف فرد از جایگاه خود در جامعه می‌تواند نحوه حضور او در تعاملات جمعی را شکل دهد (Safaei & Ahmadpour, 2025). مطالعات داخلی نیز وجود ارتباط میان مؤلفه‌های هویت و سازه‌های روان‌شناختی نظیر هوش هیجانی را نشان داده‌اند (Askarian Moghadan et al., 2013). از سوی دیگر، ارتباط سبک‌های پردازش هویت با پریشانی اخلاقی نشان می‌دهد که شیوه سازمان‌دهی و پردازش هویت می‌تواند حتی چگونگی ارزیابی فرد از موقعیت‌های ارزشی و اخلاقی را نیز تحت تأثیر قرار دهد (James et al., 2023). از این رو، انتظار می‌رود تفاوت در وضعیت‌های هویتی، تفاوت‌هایی در نگرش‌های اجتماعی و سیاسی نیز ایجاد کند.

در تبیین رابطه میان تفکیک خویشتن، هویت و نگرش‌های اجتماعی و سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی جایگاه ویژه‌ای دارند. شخصیت به الگوهای نسبتاً پایدار اندیشه، احساس و رفتار اشاره دارد که شیوه سازگاری فرد با محیط و واکنش او به موقعیت‌های مختلف را مشخص می‌کنند (Atkinson et al., 2022). مدل پنج‌عاملی شخصیت یکی از پرکاربردترین چارچوب‌ها برای توصیف تفاوت‌های فردی است و پنج بعد روان‌رنجورخوبی، برون‌گرایی، بازبودن به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را در بر می‌گیرد. نظریه پنج‌عاملی شخصیت، این صفات را به‌عنوان گرایش‌های بنیادی فردی در نظر می‌گیرد که در تعامل با سازگاری‌های مشخص، تجربه‌ها و محیط، به الگوهای متمایز رفتار و نگرش منجر می‌شوند (McCrae & Costa, 2021). در منابع روان‌شناسی شخصیت نیز بر پایداری نسبی صفات و تأثیر آن‌ها بر نحوه ادراک و پاسخ‌دهی فرد به محیط تأکید شده است (Karimi, 2023).

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که صفات شخصیتی با رفتارها و مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی دانشجویان ارتباط دارند. برای مثال، برخی صفات شخصیت می‌توانند رفتار فابینگ در دانشجویان را پیش‌بینی کنند و این رابطه از طریق وابستگی به تلفن هوشمند میانجی‌گری شود (Akbarzadeh et al., 2023). همچنین، ویژگی‌های شخصیتی در کنار کیفیت خواب با نوموفوبیا ارتباط داشته‌اند و افکار اضطرابی می‌توانند

در این مسیر نقش واسطه‌ای ایفا کنند (Ensanimehr et al., 2022). در نوجوانان نیز ویژگی‌های شخصیتی با تکانشگری و مهارت‌های حل مسئله اجتماعی مرتبط گزارش شده‌اند (Salgi et al., 2021). تفاوت‌های شخصیتی همچنین در ارتباط با کنترل خشم و تعصب قومی مورد توجه قرار گرفته‌اند (Yavari Kermani et al., 2022) و روابط میان ابعاد پنج‌گانه شخصیت، تاب‌آوری و مشکلات بالینی نیز در نمونه‌های دانشجویی تأیید شده است (Farah Bijari et al., 2015). مجموعه این شواهد نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند سازوکار مهمی باشند که از طریق آن ساختارهای عمیق‌تر خود و هویت به رفتار، ادراک و نگرش‌های فرد تبدیل می‌شوند.

ارتباط شخصیت با نگرش‌های اجتماعی و سیاسی نیز شواهد قابل‌توجهی دارد. پژوهش درباره ویژگی‌های HEXACO و نگرش سیاسی نشان داده است که تفاوت‌های شخصیتی با جهت‌گیری‌های سیاسی افراد مرتبط است (Gheiyor-Vahdat & Farahani, 2018). در یک نمونه بریتانیایی نیز صفات شخصیت همراه با متغیرهای جمعیت‌شناختی توانستند علاقه سیاسی و رفتار رأی‌دهی را پیش‌بینی کنند (Furnham & Cheng, 2019). همچنین، در میان دانشجویان مددکاری اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی با تمایل به مشارکت در سیاست‌گذاری و مشارکت سیاسی مرتبط بوده‌اند (Schwartz-Tayri, 2021). فراتحلیل ارتباط شخصیت و نگرش‌های فرهنگی نیز نشان می‌دهد که برخی صفات شخصیتی، به‌ویژه بازبودن به تجربه، به‌طور منظم با نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط‌اند (Blais-Rochette et al., 2022). چنین یافته‌هایی اهمیت ویژگی‌های شخصیتی را در تبیین تفاوت افراد در پذیرش تنوع، انعطاف‌شناختی، ترجیح نظم، واکنش به تغییر و نحوه مواجهه با موضوعات عمومی برجسته می‌سازند.

در این میان، بازبودن به تجربه از نظر نظری می‌تواند نقش ویژه‌ای در پیوند میان ساختار هویت و نگرش‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد. افراد دارای بازبودن بالا معمولاً کنج‌کاو ذهنی، پذیرش تجربه‌های نو، انعطاف در ارزیابی اطلاعات و آمادگی بیشتری برای بررسی دیدگاه‌های متفاوت نشان می‌دهند. این ویژگی می‌تواند موجب شود فرد در فرایند شکل‌گیری هویت، گزینه‌های بیشتری را مورد کاوش قرار دهد و در ارزیابی مسائل سیاسی و اجتماعی نیز کمتر به الگوهای بسته و تغییرناپذیر متکی باشد. در مقابل، روان‌رنجورخویی با حساسیت هیجانی و تجربه هیجان‌های منفی همراه است و ممکن است ارتباط میان عدم ثبات هویتی و نگرش‌های اجتماعی را از مسیر اضطراب و واکنش‌پذیری هیجانی تقویت کند. وظیفه‌شناسی نیز از طریق نظم، خودکنترلی، پایبندی به مسئولیت‌ها و جهت‌گیری هدفمند می‌تواند تعهدات هویتی را به نگرش‌های اجتماعی منسجم‌تر پیوند دهد. توافق‌پذیری و برون‌گرایی نیز به دلیل ارتباط با کیفیت تعاملات بین‌فردی و جهت‌گیری به سوی دیگران، بالقوه می‌توانند در شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی نقش داشته باشند. این استدلال با شواهدی سازگار است که نشان داده‌اند جهت‌گیری اجتماعی با رفتار اخلاقی و نحوه تعامل فرد در محیط اجتماعی مرتبط است (Hashemi et al., 2014) و در بافت‌های حرفه‌ای نیز ارتباط میان جهت‌گیری اجتماعی و رفتار اخلاقی مشاهده شده است (Gheiyor-Baghbani et al., 2016).

از دیدگاه نظری، ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند به‌جای آنکه صرفاً پیش‌بین‌های مستقل نگرش باشند، نقش «سازوکار انتقال» را میان ساختارهای روان‌شناختی بنیادی‌تر و نگرش‌های اجتماعی و سیاسی ایفا کنند. برای نمونه، تفکیک خویشتن بالا ممکن است از طریق تقویت استقلال‌شناختی و کاهش واکنش‌پذیری در برابر فشار گروهی، امکان بازبودن بیشتر به دیدگاه‌های متفاوت را فراهم آورد؛ این بازبودن نیز به نوبه خود می‌تواند بر نوع نگرش سیاسی و اجتماعی فرد اثر بگذارد. به همین ترتیب، وضعیت هویتی حاصل از کاوش و تعهد می‌تواند با سطوح متفاوت وظیفه‌شناسی، روان‌رنجورخویی یا بازبودن به تجربه همراه شود و این ویژگی‌ها چگونگی ترجمه ساختار هویت به قضاوت اجتماعی را تعیین کنند. پژوهش‌های پیشین درباره نقش شخصیت و هویت در مشارکت سیاسی دانشجویان، وجود چنین هم‌پوشانی مفهومی را تأیید کرده‌اند (Madahi et al., 2021). با این حال، بخش عمده مطالعات موجود این متغیرها را به‌صورت روابط مستقیم یا پیش‌بین‌های موازی بررسی کرده‌اند و کمتر به فرایندهای واسطه‌ای میان آن‌ها پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، تحلیل چنین مدلی مستلزم توجه به روابط همزمان و غیرمستقیم میان چندین سازه است. مدلیابی معادلات ساختاری این امکان را فراهم می‌کند که مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم میان متغیرهای پیش‌بین، میانجی و پیامد به‌صورت همزمان بررسی شوند و برازش

کلی الگوی نظری مورد ارزیابی قرار گیرد. در پژوهش‌های دارای متغیرهای پنهان و چندین مسیر علی مفروض، رعایت کفایت حجم نمونه و استفاده از شاخص‌های مناسب برازش اهمیت اساسی دارد (Habibi & Adenvar, 2017). کاربرد این رویکرد در مسئله حاضر می‌تواند روشن سازد که آیا ویژگی‌های شخصیتی صرفاً همراه با تفکیک خویشتن و ابعاد هویت هستند یا واقعاً بخشی از رابطه آن‌ها با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی را میانجی‌گری می‌کنند.

با وجود مطالعاتی که به‌صورت جداگانه رابطه شخصیت با نگرش سیاسی، هویت با مشارکت اجتماعی و سیاسی، یا تفکیک خویشتن با سازگاری روان‌شناختی را بررسی کرده‌اند، هنوز الگوی یکپارچه‌ای که این سه حوزه را در یک چارچوب واسطه‌ای بررسی کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌ویژه در میان دانشجویان ایرانی، بررسی همزمان تفکیک خویشتن و وضعیت‌های مختلف هویت و تعیین اینکه کدام یک از صفات پنج‌گانه شخصیت می‌توانند مسیر اثرگذاری آن‌ها بر نگرش سیاسی و اجتماعی را توضیح دهند، می‌تواند خلأ مهمی را در ادبیات موجود پوشش دهد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که دانشجویان به‌عنوان بخشی از سرمایه انسانی و فکری جامعه، در آینده در نقش‌های تخصصی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی حضور خواهند یافت و نگرش‌های آنان می‌تواند بر کیفیت مشارکت مدنی و نحوه تعامل آنان با مسائل عمومی اثرگذار باشد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان انجام شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از منظر هدف بنیادی و باتوجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل دادند. در ارتباط با حجم نمونه، در تحلیل عاملی تاییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری حداقل حجم نمونه براساس متغیرهای پنهان تعیین می‌شود نه متغیرهای مشاهده‌پذیر و اساساً ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر پنهان) لازم است. همچنین بطور کلی حداقل ۲۰۰ نمونه برای مدل‌یابی معادلات ساختاری توصیه شده است (حبیبی و عدن‌ور، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه در پژوهش حاضر ۱۳ متغیر پنهان وجود دارد، تعداد نمونه‌های مورد نیاز ۲۶۰ نفر محاسبه شد و با در نظر گرفتن حداقل حجم نمونه لازم برای این نوع تحقیقات و احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۳۰۰ نفر نمونه با روش نمونه‌گیری در دسترس برای این پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل سن (بالای ۲۰ سال) و مقطع تحصیلی (دانشجوی لیسانس به بالا) و معیار خروج از پژوهش شامل عدم تکمیل پرسشنامه‌ها، عدم رضایت برای مشارکت و پاسخ‌های تصادفی یا الگومند بود. اطلاعات جمعیتی‌شناختی شرکت‌کنندگان اعم از سن ($MD=37/45$, $S=8/31$)، جنسیت (۱۴۷ نفر زن و ۱۵۲ نفر مرد)، سطح تحصیلات (۲۰۸ نفر کارشناسی، ۶۵ نفر کارشناسی ارشد و ۲۷ نفر دکتری) و وضعیت تأهل (۲۱۱ نفر متأهل و ۸۹ نفر مجرد) نیز جمع‌آوری شدند. ابزارهای اندازه‌گیری نیز شامل پرسشنامه‌های زیر بود.

مقیاس/استبدادی جناح راست. به منظور سنجش نگرش سیاسی از مقیاس استبدادی جناح راست استفاده شد. نسخه شش سؤالی مقیاس استبدادگرایی جناح راست توسط داکیت و بی‌زومیک (۲۰۱۳) از مقیاس استبدادگرایی جناح راست آلتیمیر (۱۹۸۸) اقتباس شده است. این مقیاس نگرش‌های افراد را در قالب سه خرده‌مقیاس محافظه‌کاری، اقتدارگرایی و سنت‌گرایی مورد سنجش قرار می‌دهد. این نسخه کوتاه شامل دو سؤال برای هر یک از سه خرده‌مقیاس می‌باشد. سؤالات ۱ و ۲ محافظه‌کاری یا تسلیم اقتدارگرایی، سؤالات ۳ و ۴ سنت‌گرایی یا قراردادگرایی و سؤالات ۵ و ۶ اقتدارگرایی یا پرخاشگری اقتدارگرا را مورد سنجش قرار می‌دهند. نمره‌گذاری سؤالات در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) است. سؤالات ۱، ۴، و ۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. داکیت و بی‌زومیک (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که آلفای کرونباخ مقیاس استبدادی جناح راست در نمونه‌های پژوهش خود بالاتر از ۰/۷۰ است و پایایی آن را تأیید می‌کند؛ روایی پرسشنامه نیز از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. این پرسشنامه در پژوهش حاضر به فارسی ترجمه شده و بعد توسط

یک کارشناس ارشد زبان انلیسی ترجمه معکوس شد و سپس گویه‌ها با هم تطبیق داده شدند. در مرحله بعدی جهت بررسی روایی صوری و محتوایی به شکل کیفی پرسشنامه در اختیار ۵ تن از اساتید روان‌شناسی و فعالیت سازمانی قرار گرفت و نظرات آنان به صورت تغییرات جزئی اعمال شد. پایایی از طریق بررسی ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۱ بود که حاکی از پایایی مطلوب است.

مقیاس جهت‌گیری اجتماعی هاریسون: این پرسشنامه توسط هاریسون (۲۰۰۱) در طی مطالعات اجتماعی بر روی سربازان بازگشته از جنگ ساخته شده است و از ۲۶ ماده تشکیل شده که در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای اصلاً درست نیست (۱)، تا کاملاً درست است (۵) نمره‌گذاری می‌شود. هاریسون (۲۰۰۱) پایایی این پرسشنامه را از طریق روش دونیمه‌کردن بررسی کرد که همبستگی بین دونیمه برابر با ۰/۷۶ بود و روایی آن از طریق بررسی همبستگی آن با داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه حمایت اجتماعی دوک (۱۹۸۹) تأیید شد (هاریسون، ۲۰۰۱؛ به نقل از هاشمی و همکاران، ۲۰۱۴). در ایران روایی پرسشنامه و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۷۴ تأیید شده است (غیور باغبانی و همکاران، ۲۰۱۶).

پرسشنامه تفکیک خویشتن^۱: به منظور سنجش تفکیک خویشتن از پرسشنامه تمایزیافتگی خود استفاده شد. این پرسشنامه نخستین بار در سال ۱۹۸۸ توسط اسکورون و فریدلندر طراحی شد و سپس توسط اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) بر مبنای نظریه بوئن تنظیم شد و به منظور سنجش میزان تمایزیافتگی افراد، مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار گرفت. این مقیاس دارای ۴۵ سؤال است و از چهار عامل واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی و امتزاج با دیگران تشکیل شده است. پرسشنامه تمایزیافتگی خود در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از اصلاً در مورد من صحیح نیست (۱)، تا کاملاً در مورد من صحیح است (۶) درجه‌بندی شده است و آزمودنی باید مشخص کند تا چه حد با هریک از عبارات موافق یا مخالف است. نمره بالاتر در این مقیاس نشان دهنده تمایزیافتگی بیشتر است. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای تمایزیافتگی کلی و برای مؤلفه‌های واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی و امتزاج با دیگران بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ بود (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳) و روایی آن نیز از طریق تحلیل عامل تأییدی و روایی سازه تأیید شد (نئوفیتو و همکاران، ۲۰۲۱). در ایران نیز پایایی این پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۴ و برای کل مقیاس ۸۱٪ به‌دست آمد و روایی محتوا و صوری آن تأیید شده است (زین‌العابدینی و کاکابرایی، ۲۰۲۴).

نسخه توسعه‌یافته مقیاس عینی وضعیت هویت/یگو^۲: این پرسشنامه را بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۶ با اصلاح پرسشنامه حالات هویت نسخه اول، و با توجه به نظریه اریکسون و مارسیا طراحی کرده‌اند؛ این پرسشنامه ۶۴ گویه دارد که شامل چهار خرده‌مقیاس هویت پیشرفته، هویت زودشکل‌گرفته، هویت تعویق‌افتاده و هویت آشفته است که هر یک شامل ۱۶ گویه هستند و شیوه نمره‌گذاری در مقیاس طیف لیکرت از کاملاً موافق (۶) تا کاملاً مخالف (۱) است. دامنه نمرات هر خرده‌مقیاس بین ۱۶ تا ۹۶ است و در نمره ۵۳ و بالاتر نشان دهنده حالت هویت زودرس و آشفته، نمره ۶۳ و بالاتر حالت هویت به تعویق‌افتاده و نمره ۷۳ و بالاتر نشانگر حالت هویت پیشرفته در فرد می‌باشد. تحلیل‌های روایی همگرا، افتراقی، همزمان و پیش‌بین و همچنین تحلیل پایایی از طریق بررسی همسانی درونی (آلفای کرونباخ بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۰) نشان می‌دهند که مقیاس از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است (بنیون و آدامز، ۱۹۸۶). در ایران، روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعه عسکریان مقدم و همکاران (۲۰۱۳) انجام شده است که روایی ابزار از طریق روایی همزمان، پیش‌بین و سازه مورد سنجش قرار گرفت. پایایی ابزار نیز با روش آزمون مجدد محاسبه شده بود که از ۰/۶ تا ۰/۸ متغیر بود.

پرسشنامه پنج عاملی نئو^۳: این ابزار، فرم کوتاه ۶۰ سوالی پرسشنامه اصلی ۲۴۰ سوالی پنج صفت بزرگ شخصیت (NEO-FFI) است که توسط کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) طراحی شده است. پرسشنامه پنج عامل اصلی شخصیت را اندازه‌گیری می‌کند: روان‌رنجورخویی (N)،

¹ self-differentiation questionnaire

1.1 'Extended Version of the Objective Measure of Ego Identity Status 2 (EOM-EIS-2)

³ NEO-five factor inventory

برون‌گرایی (E)، گشودگی به تجربه (O)، توافق‌پذیری (A) و وظیفه‌شناس بودن (C). هر عامل با ۱۲ سوال و در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» (نمره ۱) تا «کاملاً موافقم» (نمره ۵) سنجیده می‌شود. نمره بالاتر در هر عامل، نشان‌دهنده سطح بیشتری از آن ویژگی شخصیتی است. به‌جز سوالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۵۸ و ۶۰، باقی سوالات به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (کاستا و مک‌کری، ۲۰۰۸). مک‌کری و کاستا (۲۰۰۸) با مقایسه این فرم کوتاه و فرم بلند، روایی همگرایی قابل قبولی را گزارش کرده‌اند (ضرایب همبستگی از ۰/۷۱ تا ۰/۸۰ برای خرده‌مقیاس‌ها). همچنین، ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها در مطالعات مختلف، حاکی از پایایی مطلوب ابزار است (بکر، ۲۰۰۶؛ به نقل از فرح‌بیجاری و همکاران، ۲۰۱۵: دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۶). در ایران، این پرسشنامه توسط گروهی فرشی و همکاران (۲۰۰۲) ترجمه و هنجاریابی شده است. در پژوهش آنان، ضرایب همسانی درونی (آلفا) برای پنج عامل بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ و ضریب پایایی بازآزمایی در دامنه ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ به‌دست آمده است. همچنین، روایی همزمان از طریق همبستگی نمرات خودگزارش با ارزیابی مشاهده‌گر، بین ۰/۴۵ تا ۰/۶۶ گزارش شده است (سلگی و همکاران، ۲۰۲۱).

این پژوهش به‌صورت مقطعی و با استفاده از روش پیمایشی (پرسشنامه‌ای) در محیط دانشگاهی اجرا شد. بدین منظور، پیش از تهیه و تنظیم پرسشنامه‌ها با مراجعه به مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و اخذ مجوزهای لازم، هماهنگی‌های اولیه برای دسترسی به دانشجویان انجام شد. آزمون‌گر (نویسنده اول) پس از گذراندن کارگاه‌های آموزشی مرتبط با اصول اجرای پرسشنامه، شیوه‌نامه اجرا و ملاحظات اخلاقی و تأکید بر یکنواختی در ارائه توضیحات، رعایت اصل بی‌طرفی و حفظ محرمانگی به صورت انفرادی اقدام به توزیع و جمع‌آوری داده‌ها نمود. پرسشنامه‌ها در محوطه دانشگاه و کلاس‌های درسی در دسترس دانشجویان قرار گرفت و به شرکت‌کنندگان به‌طور شفاهی و کتبی (در صفحه اول پرسشنامه) درباره هدف پژوهش حاضر (بررسی رابطه تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش سیاسی و اجتماعی با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی)، داوطلبانه بودن مشارکت، حق انصراف در هر مرحله، محرمانه ماندن اطلاعات و مدت زمان تقریبی پاسخگویی (۶۰ الی ۹۰ دقیقه) توضیح داده شد. در ابتدای پرسشنامه‌ها جهت کسب رضایت آگاهانه دانشجویان عبارت "تمایل به شرکت در این پژوهش دارم و به خواست خویش در این پژوهش شرکت می‌کنم" درج شده بود. شرکت‌کنندگان در صورت موافقت، این عبارت را علامت زده و سپس به بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی (اطلاعات مربوط سن، جنس و سطح تحصیلات) و سؤالات اصلی پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت‌شناختی، مقیاس استبدادی جناح راست (جهت سنجش نگرش سیاسی)، مقیاس جهت‌گیری اجتماعی هاریسون، پرسشنامه تفکیک خویشتن، نسخه توسعه‌یافته مقیاس عینی وضعیت هویت ایگو و پرسشنامه پنج عاملی نئو به ترتیب جهت سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد. پرسشنامه‌ها به‌صورت انفرادی و در محیط آرام (کلاس‌های درسی خالی و سالن مطالعات) انجام شد. هیچ مشوق مادی یا معنوی برای مشارکت ارائه نشد. پس از تکمیل، پرسشنامه‌ها بلافاصله جمع‌آوری و از نظر تکمیل بودن و عدم پاسخ‌های تصادفی یا الگومند بررسی شدند و آن‌هایی که ناقص و مخدوش (بدون پاسخ و یا پاسخ تکراری) بودند از تحلیل نهایی حذف شدند. داده‌های برگزیده به صورت دستی ابتدا وارد نرم افزار اکسل شدند و پس از بازبینی و اصلاح خطاهای احتمالی برای تحلیل آماری به SPSS و AMOS انتقال یافتند. لازم به ذکر است که این پژوهش با رعایت کامل اصول هلسینکی و دستورالعمل‌های اخلاق در پژوهش‌های علوم انسانی انجام شده است. محرمانه بودن اطلاعات، عدم افشای هویت شرکت‌کنندگان، حق انصراف در هر مرحله تضمین شد.

در این پژوهش از روش‌های مختلف آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. برای توصیف داده‌ها از فراوانی، فراوانی درصدی، میانگین و انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، با نرم‌افزار SPSS-24 و تحلیل مدل‌های مربوط به تحلیل عاملی پرسشنامه‌ها با نرم‌افزار AMOS-24 استفاده شد.

یافته‌ها

اطلاعات دموگرافیک همه شرکت‌کنندگان ($N=300$) در پژوهش حاضر به قرار ذیل بود. میانگین و انحراف استاندارد مربوط به سن برابر با $31 \pm 8.37/45$ بود؛ از میان این 300 نفر، 147 نفر با درصد فراوانی 49 زن و 153 نفر با درصد فراوانی 51 مرد بودند؛ 211 نفر با درصد فراوانی $70/3$ متأهل و 89 نفر با درصد فراوانی $29/7$ مجرد بودند و همچنین 208 نفر با درصد فراوانی $69/3$ لیسانس، 65 نفر با درصد فراوانی $21/7$ فوق لیسانس و 27 نفر با درصد فراوانی 9 دکتری بودند.

در جدول 1، میانگین و انحراف استاندارد مربوط به نمرات میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهشی تفکیک خویشتن، ابعاد هویت، ویژگی‌های شخصیتی و نگرش سیاسی و اجتماعی پژوهش گزارش شده است.

جدول 1. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهشی	ابعاد متغیرهای پژوهشی	میانگین	انحراف معیار
تفکیک خویشتن	-	129/98	34/20
ابعاد هویتی	هویت به تعلیق افتاده	38/71	12/08
	هویت پیشرفته	35/67	11/46
	هویت آشفته	38/91	11/58
	هویت زود شکل یافته	38/60	11/49
ویژگی‌های شخصیتی	روان رنجور خویی	33/21	9/15
	برون گرایی	28/99	7/42
	باز بودن به تجربه‌ها	27/08	5/97
	توافق پذیری	29/37	6/67
	وظیفه شناس بودن	30/13	8/13
نگرش سیاسی	-	24/06	8/64
نگرش اجتماعی	-	72/57	17/75

در بررسی پیش فرض‌های آماری تحلیل معادلات ساختاری، پیش فرض نرمال بودن داده‌ها محقق شد، زیرا مقادیر چولگی ($2 \pm$) و کشیدگی ($7 \pm$) همه متغیرها در دامنه قابل قبول قرار داشتند (بر اساس معیار بایرن و ون د ویجور، 2010). همچنین، با محاسبه آماره ماکس لایکلیت و سطح معناداری بالاتر از 0/01 برای تمامی موارد، مشخص شد داده‌های پرت قابل توجهی در مجموعه داده‌ها وجود ندارد (کلاسن، 2016). پایایی ابزارها نیز با ضرایب آلفای کرونباخ در دامنه 0/65 تا 0/77 تأیید شد.

جدول 2. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13
1	1												
2	تفکیک خویشتن	1											
3	هویت به تعویق افتاده	0/209*	1										
4	هویت پیشرفته	0/426*	0/249*	1									
5	هویت آشفته	0/237*	0/045	-0/133*	1								
6	هویت زود شکل یافته	0/210*	-0/216*	-0/263*	0/064	1							
7	روان رنجور خوی	-0/281*	-0/354*	-0/272*	0/097*	0/325*	1						
8	ی	0/281*	-0/354*	-0/272*	0/097*	0/325*	0/325*	1					

۷	برون‌گرایی	*.۰/۲۹۸	*.۰/۳۲۹	*.۰/۲۷۱	*.۰/۰۹۳	-۰/۳۱۵	-۰/۲۲۹	۱
		*	*	*	-	**	**	
۸	بازبودن به تجربه‌ها	*.۰/۲۳۴	*.۰/۳۱۷	*.۰/۳۵۷	*.۰/۳۴۶	-۰/۳۹۵	-۰/۱۰۵	*.۰/۴۲۵
		*	*	*	**	**	*	۱
۹	توافق‌پذیری	*.۰/۱۹۹	*.۰/۱۸۳	*.۰/۱۲۰	*.۰/۱۳۰	*.۰/۱۲۱	-۰/۱۴۲	*.۰/۰۵۴
		*	*	*	*	*	*	۱
۱۰	باوجدان بودن	*.۰/۱۷۹	*.۰/۲۰۰	-۰/۰۹۶	*.۰/۰۲۴	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۲	*.۰/۳۶۶
		*	*	-	-	-	-	*
۱	نگرش اجتماعی	*.۰/۲۵۵	*.۰/۳۳۰	*.۰/۳۴۴	*.۰/۱۴۲	-۰/۳۸۲	-۰/۲۵۹	*.۰/۲۹۴
۲		*	*	*	*	**	**	*.۰/۱۶۴
		*	*	*	*	*	*	*
۱	نگرش سیاسی	-۰/۳۳۱	-۰/۲۵۵	-۰/۳۵۴	*.۰/۰۶۷	*.۰/۲۷۲	*.۰/۲۷۱	-۰/۲۵۰
۳		**	**	**	*	*	*	**
		**	**	**	**	**	**	**

P<۰/۰۱, P<۰/۰۵*

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۲، بین تفکیک خویشتن با نگرش سیاسی رابطه منفی و معنی‌داری ($r=-۰/۳۳۱$, $p<۰/۰۰۱$) و با نگرش اجتماعی ($r=۰/۲۵۵$, $p<۰/۰۰۱$) رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین ابعاد هویت به تعویق افتاده ($r=-۰/۲۵۵$, $p<۰/۰۰۱$)، هویت پیشرفته ($r=-۰/۳۵۴$, $p<۰/۰۰۱$) و هویت زود شکل یافته ($r=۰/۲۷۲$, $p<۰/۰۰۱$) با نگرش سیاسی از نظر آماری رابطه معنی‌داری وجود دارد، با این حال رابطه بین هویت آشفته با نگرش سیاسی از نظر آماری معنی‌دار نیست ($p>۰/۰۰۱$). بین هویت به تعویق افتاده ($r=۰/۳۳۰$, $p<۰/۰۰۱$) با هویت پیشرفته ($r=۰/۳۴۰$, $p<۰/۰۰۱$) رابطه مثبت و معنی‌دار و با هویت آشفته ($r=-۰/۱۴۰$, $p<۰/۰۰۱$) و هویت زود شکل یافته ($p<۰/۰۰۱$)، با نگرش اجتماعی رابطه منفی و معنادار دارد. از طرف دیگر بین روان‌جورخویی ($r=۰/۲۷۱$, $p<۰/۰۰۱$)، برون‌گرایی ($p<۰/۰۰۱$)، بازبودن به تجربه‌ها ($r=۰/۲۷$, $p<۰/۰۰۱$) و توافق‌پذیری ($r=-۰/۲۴۸$, $p<۰/۰۰۱$) با نگرش سیاسی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد ولی با بعد وظیفه‌شناس بودن رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($p>۰/۰۰۱$). همچنین بین روان‌رنجورخویی ($r=-۰/۲۵۹$, $p<۰/۰۰۱$)، برون‌گرایی ($r=۰/۲۹۴$, $p<۰/۰۰۱$)، بازبودن به تجربه‌ها ($r=۰/۳۹۹$, $p<۰/۰۰۱$) و باوجدان بودن ($r=۰/۱۶۴$, $p<۰/۰۰۱$) با نگرش اجتماعی رابطه آماری مثبت و معنی‌دار وجود دارد. پس از تأیید پیش‌فرض‌های آماری و بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهشی جهت ارزیابی اندازه اثرات مستقیم و غیرمستقیم از تحلیل مدل معادلات ساختاری استفاده شد.

جدول ۳. اندازه اثر مستقیم متغیرهای پژوهشی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب غیر استاندارد b	انحراف معیار	T	ضریب استاندارد β	P
تفکیک خویشتن	نگرش سیاسی	۰/۳۱	۰/۰۱۶	-۱/۹۰۰	-۰/۱۲۰	۰/۰۵۷
تفکیک خویشتن	نگرش اجتماعی	۰/۰۲۵	۰/۰۳۲	۰/۷۸۳	۰/۰۴۸	۰/۴۳۴
هویت پیشرفته	نگرش سیاسی	-۰/۰۹۳	۰/۰۴۶	-۱/۹۹۷	-۰/۱۲۲	۰/۰۰۰
هویت زود شکل یافته		۰/۰۴۶	۰/۰۴۴	۱/۰۳۴	۰/۰۶۰	۰/۲۹۷
هویت آشفته		-۰/۰۰۹	۰/۰۴۴	۰/۱۹۵	۰/۰۱۱	۰/۸۶۴
هویت به تعویق افتاده		-۰/۰۰۷	۰/۰۴۲	۰/۱۶۶	-۰/۰۱۰	۰/۸۶۸
هویت زود شکل یافته	نگرش اجتماعی	-۰/۳۰۳	۰/۰۸۷	-۳/۴۷۶	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۰
هویت به تعویق افتاده		۰/۱۸۰	۰/۰۸۴	۲/۱۳۶	۰/۱۲۲	۰/۰۰۰
هویت پیشرفته		۰/۲۸۰	۰/۰۹۲	۳/۰۴۲	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰
هویت آشفته		-۰/۱۰۸	۰/۰۸۸	-۱/۲۲۱	-۰/۰۷۰	۰/۲۲۲

بر اساس جدول ۳، نتایج مربوط به آنالیز اندازه اثر مستقیم متغیرهای پژوهشی نشان داد که تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی ($\beta = -0/120$)، نگرش اجتماعی ($\beta = 0/048$)، و نگرش اجتماعی ($\beta = 0/048$)، دانشجویان اثر مستقیم و معناداری ندارد. از بین ابعاد هویتی تنها هویت پیشرفته توانست اثر مستقیم و معناداری بر نگرش سیاسی دانشجویان دارد ($\beta = -0/122$)، ولی سایر ابعاد هویت اثر مستقیم بر نگرش سیاسی دانشجویان نداشتند ($p > 0/001$). علاوه بر این، سه بعد هویتی یعنی هویت به تعویق افتاده ($\beta = 0/122$)، هویت پیشرفته ($\beta = 0/179$)، هویت زود شکل یافته ($\beta = -0/194$)، به طور مستقیم بر نگرش اجتماعی دانشجویان تاثیر دارند اما هویت آشفته تاثیر مستقیم معنی داری بر نگرش اجتماعی نداشت.

جدول ۴. نتایج آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با

نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان

مسیر	ضریب استاندارد β	انحراف معیار	آزمون T	P
تفکیک خویشتن -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش سیاسی	-0/045	0/018	2/498	<0/001
تفکیک خویشتن -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش اجتماعی	0/046	0/019	2/385	<0/001
تفکیک خویشتن -> وظیفه‌شناس بودن -> نگرش اجتماعی	0/061	0/021	2/914	<0/001
آشفته -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش سیاسی	0/097	0/029	3/254	<0/001
به تعویق افتاده -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش سیاسی	-0/042	0/018	3/325	<0/001
پیشرفته -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش سیاسی	-0/046	0/019	2/385	<0/001
زود شکل یافته -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش سیاسی	0/080	0/025	3/147	<0/001
به تعویق افتاده -> توافق پذیری -> نگرش سیاسی	-0/039	0/015	2/639	<0/001
زود شکل یافته -> توافق پذیری -> نگرش سیاسی	-0/047	0/018	2/593	<0/001
آشفته -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش اجتماعی	0/0970	0/029	3/435	<0/001
به تعویق افتاده -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش اجتماعی	-0/043	0/017	2/592	<0/001
زود شکل یافته -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش اجتماعی	-0/082	0/026	3/147	<0/001
پیشرفته -> باز بودن به تجربه‌ها -> نگرش اجتماعی	0/026	0/011	2/454	<0/001
به تعویق افتاده -> روان رنجور خویی -> نگرش اجتماعی	0/036	0/015	2/328	<0/001
به تعویق افتاده -> وظیفه‌شناس بودن -> نگرش اجتماعی	0/044	0/018	2/484	<0/001
پیشرفته -> وظیفه‌شناس بودن -> نگرش اجتماعی	-0/059	0/020	2/976	<0/001

بر اساس یافته‌های جدول ۴ تفکیک خویشتن بر نگرش سیاسی دانشجویان تنها با میانجی‌گری باز بودن به تجربه‌ها اثر غیرمستقیم و معنادار دارد ($\beta = -0/045$)، و سایر ابعاد شخصیتی نقش میانجی‌گرانه معنی‌داری بین تفکیک شخصیت و نگرش سیاسی نداشتند ($p > 0/001$). از طرفی، تفکیک خویشتن بر نگرش‌های اجتماعی دانشجویان با میانجی‌گری باز بودن به تجربه‌ها ($\beta = 0/046$)، و وظیفه‌شناس بودن شخصیت ($\beta = 0/061$) اثر غیرمستقیم معناداری دارد و سایر ابعاد شخصیت نقش میانجی معنی‌داری بین تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی نداشتند. ابعاد هویتی آشفته ($\beta = 0/097$)، به تعویق افتاده ($\beta = -0/042$)، زود شکل یافته ($\beta = 0/080$) و پیشرفته ($\beta = -0/046$) فقط با میانجی‌گری باز بودن به تجربه‌ها بر نگرش سیاسی اثر غیرمستقیم معنادار دارد. ابعاد هویتی به تعویق افتاده ($\beta = -0/039$) و زود شکل یافته ($\beta = -0/047$) از طریق میانجی‌گری توافق‌پذیری بر نگرش سیاسی اثر غیرمستقیم معناداری دارد. سایر ابعاد شخصیت نقش میانجی معنی‌داری در رابطه بین حالات هویت و نگرش سیاسی نداشتند. ابعاد هویتی آشفته ($\beta = 0/097$)، به تعویق افتاده ($\beta = -0/043$)، زود شکل یافته ($\beta = 0/082$) و پیشرفته ($\beta = -0/026$) بر نگرش اجتماعی فقط با میانجی‌گری بعد باز بودن به تجربه‌ها اثر غیرمستقیم معنادار دارد. هویت به تعویق افتاده با میانجی‌گری بعد روان‌رنجور خویی ($\beta = 0/036$) و وظیفه‌شناس بودن ($\beta = 0/044$) بر نگرش اجتماعی اثر غیرمستقیم معنادار و هویت پیشرفته

با میانجی‌گری بعد وظیفه‌شناس بودن ($\beta = -0.059$, $p < 0.05$) بر نگرش اجتماعی اثر غیرمستقیم معنادار دارد. در ادامه به بررسی برازش مدل با استفاده از شاخص‌های برازش مقصدی و تنبیهی بعد از حذف مسیرهای غیرمعنادار به منظور افزایش مطلوبیت برازش پرداخت شده است که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل مفروض

شاخص برازش	مقدار بدست آمده	مقدار قابل قبول
خی دو	۵۲/۱۸ (درجه آزادی برابر با ۱۸)	غیر معنی دار
نسبت خی دو به درجه آزادی	۲/۸۹	کوچتر از ۳
CFI	۰/۹۴	بزرگتر از ۰/۹۰
GFI	۰/۹۳	بزرگتر از ۰/۹۰
TLI	۰/۹۵	بزرگتر از ۰/۹۰
RMSEA	۰/۰۷۲	کوچتر از ۰/۰۸

بر اساس مندرجات جدول ۵، شاخص‌های برازش مدل در دامنه قابل قبولی قرار گرفته‌اند و بنابراین می‌توان استدلال کرد که مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه تفکیک خویشتن و ابعاد هویتی با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان انجام شد. یافته‌های تحلیل مسیر نشان داد که تفکیک خویشتن به صورت مستقیم اثر معناداری بر نگرش سیاسی و اجتماعی دانشجویان نداشت، اما از طریق برخی ویژگی‌های شخصیتی توانست به صورت غیرمستقیم با این نگرش‌ها ارتباط پیدا کند. به طور مشخص، بازبودن به تجربه در رابطه میان تفکیک خویشتن و نگرش سیاسی نقش میانجی معناداری داشت و همچنین بازبودن به تجربه و وظیفه‌شناسی، رابطه میان تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی را میانجی‌گری کردند. این یافته نشان می‌دهد که تأثیر تفکیک خویشتن بر نگرش‌های اجتماعی و سیاسی الزاماً به صورت مستقیم رخ نمی‌دهد، بلکه بخشی از این اثر از طریق سازمان شخصیتی فرد و نحوه پردازش شناختی و رفتاری او منتقل می‌شود. این نتیجه با دیدگاه نظام‌های خانوادگی درباره تفکیک خویشتن همخوان است؛ بر اساس این دیدگاه، افراد دارای تفکیک‌یافتگی بیشتر می‌توانند میان فرآیندهای هیجانی و شناختی تمایز بیشتری ایجاد کنند و در مواجهه با فشارهای بین فردی و اجتماعی استقلال بیشتری نشان دهند (Goldenberg & Goldenberg, 2024). همچنین، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تفکیک خویشتن نشان داده‌اند که این سازه با کارکردهای روان‌شناختی، تنظیم هیجان و استقلال فردی ارتباط دارد (Buser et al., 2019; Neophytou et al., 2021; Seyed-Majidi et al., 2023).

معنادار بودن نقش میانجی بازبودن به تجربه در رابطه تفکیک خویشتن و نگرش سیاسی را می‌توان از منظر انعطاف‌پذیری شناختی تبیین کرد. افراد دارای تفکیک خویشتن بالاتر معمولاً قادرند بدون ادغام عاطفی شدید با دیگران، دیدگاه مستقل خود را حفظ کنند و مسائل را با اتکای بیشتری بر ارزیابی شناختی بررسی نمایند. هنگامی که این ویژگی با بازبودن به تجربه همراه می‌شود، فرد آمادگی بیشتری برای پذیرش اطلاعات جدید، بررسی دیدگاه‌های متفاوت و بازنگری در باورهای قبلی پیدا می‌کند. چنین الگویی می‌تواند به شکل‌گیری نگرش سیاسی سنجیده‌تر و کمتر وابسته به فشارهای گروهی منجر شود. مدل پنج‌عاملی شخصیت نیز بازبودن به تجربه را با کنجکاوی ذهنی، پذیرش تازگی، تخیل و انعطاف شناختی مرتبط می‌داند (Atkinson et al., 2022; McCrae & Costa, 2021). افزون بر این، مطالعات پیشین نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی، به ویژه بازبودن به تجربه، با نگرش‌های سیاسی و میزان مشارکت در حوزه سیاست ارتباط دارند (Furnham, 2021; Schwartz-Tayri, 2021; Gheiyor-Vahdat & Farahani, 2018; Cheng, 2019). از این رو، می‌توان گفت که تفکیک

خویشتن با فراهم کردن استقلال فکری، و بازبودن به تجربه با فراهم کردن ظرفیت شناختی برای پذیرش و ارزیابی اطلاعات گوناگون، در کنار یکدیگر زمینه شکل‌گیری نگرش سیاسی را فراهم می‌کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بازبودن به تجربه و وظیفه‌شناسی در رابطه میان تفکیک خویشتن و نگرش اجتماعی نقش میانجی معناداری داشتند. در تبیین این یافته می‌توان گفت تفکیک خویشتن، فرد را قادر می‌سازد در روابط اجتماعی مرزهای روان‌شناختی خود را حفظ کند، بدون آنکه ناچار به کناره‌گیری کامل از ارتباطات یا پذیرش بی‌چون‌وچرای انتظارات دیگران باشد. هنگامی که چنین فردی از بازبودن به تجربه نیز برخوردار باشد، احتمال بیشتری دارد که تفاوت‌های اجتماعی، ارزش‌های متنوع و دیدگاه‌های دیگران را بپذیرد. از سوی دیگر، وظیفه‌شناسی با نظم، مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی و پایبندی به تعهدات مرتبط است و می‌تواند استقلال درونی ناشی از تفکیک خویشتن را به رفتار اجتماعی منظم‌تر و مسئولانه‌تر تبدیل کند (Karimi, 2023; McCrae & Costa, 2021). این تبیین با یافته‌های مربوط به ارتباط شخصیت با جهت‌گیری اجتماعی و رفتار اخلاقی نیز همسو است؛ مطالعات نشان داده‌اند که جهت‌گیری اجتماعی و برخی صفات شخصیتی می‌توانند کیفیت رفتار فرد در روابط اجتماعی و حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار دهند (Gheiyor-Baghbani et al., 2016; Hashemi et al., 2014). همچنین، فراتحلیل انجام‌شده درباره شخصیت و نگرش‌های فرهنگی، ارتباط بازبودن به تجربه با نگرش‌های پذیرنده‌تر نسبت به تنوع اجتماعی و فرهنگی را تأیید کرده است (Blais-Rochette et al., 2022).

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان داد که از میان ابعاد هویتی، هویت پیشرفته اثر مستقیم معناداری بر نگرش سیاسی داشت، در حالی که هویت‌های پیشرفته، به تعویق‌افتاده و زودشکل‌یافته اثر مستقیم معناداری بر نگرش اجتماعی نشان دادند. این یافته بیانگر آن است که نحوه سازمان‌یابی هویت می‌تواند با نگرش فرد نسبت به موضوعات اجتماعی و سیاسی ارتباط داشته باشد. هویت پیشرفته معمولاً حاصل کاوش فعال و سپس رسیدن به تعهد نسبتاً پایدار در حوزه ارزش‌ها و باورهاست. بنابراین، فردی با هویت پیشرفته احتمالاً در مواجهه با مسائل سیاسی نیز از ساختار شناختی منسجم‌تری برخوردار است و موضع خود را بر پایه فرآیندهای بررسی و ارزیابی شکل می‌دهد. مطالعات حوزه هویت نیز نشان داده‌اند که سبک پردازش هویت و تعهد هویتی با گرایش‌های شناختی و تصمیم‌گیری فرد ارتباط دارند (Berzonsky & Papini, 2022). همچنین، هویت یک پدیده پویا و وابسته به نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی است و نحوه تجربه و بازتعریف آن می‌تواند بر قضاوت فرد در حوزه‌های مختلف اثر بگذارد (Sawatsky & Monrouxe, 2023).

ارتباط مستقیم برخی وضعیت‌های هویتی با نگرش اجتماعی نیز با نقش هویت در تعیین جایگاه فرد در جامعه قابل تبیین است. فرد از طریق هویت خود نه تنها به پرسش درباره «چه کسی بودن» پاسخ می‌دهد، بلکه درباره نحوه ارتباط با دیگران، ارزش‌های مطلوب و نوع مشارکت در گروه‌های اجتماعی نیز تصمیم می‌گیرد. از این رو، انتظار می‌رود تفاوت در میزان کاوش و تعهد هویتی با نوع نگرش اجتماعی فرد همراه باشد. در مطالعات پیشین، ارتباط ابعاد هویت و مشارکت اجتماعی و سیاسی گزارش شده است؛ برای نمونه، کنش هویتی با مشارکت سیاسی رابطه داشته است (Dastouri et al., 2023) و ابعاد هویت فرهنگی جمعی نیز با مشارکت اجتماعی شهروندان ارتباط نشان داده‌اند (Safae & Ahmadpour, 2025). علاوه بر این، مطالعات داخلی نشان داده‌اند که سبک‌های هویتی با متغیرهای روان‌شناختی مانند هوش هیجانی مرتبط‌اند (Askarian Moghadan et al., 2013). این یافته‌ها در مجموع نشان می‌دهند که وضعیت هویت می‌تواند به عنوان یکی از بنیان‌های روان‌شناختی شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی و سیاسی عمل کند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، میانجی‌گری بازبودن به تجربه در رابطه میان همه ابعاد هویت و نگرش سیاسی بود. به بیان دیگر، هویت پیشرفته، هویت زودشکل‌یافته، هویت به تعویق‌افتاده و هویت آشفته از طریق بازبودن به تجربه با نگرش سیاسی ارتباط پیدا کردند. این یافته نشان می‌دهد که صرف برخورداری از یک وضعیت هویتی خاص برای تبیین نگرش سیاسی کافی نیست و نحوه پردازش اطلاعات، پذیرش تجربه‌های جدید و انعطاف شناختی فرد می‌تواند در انتقال اثر هویت به حوزه نگرش سیاسی نقش تعیین‌کننده داشته باشد. فردی که در فرآیند تحول هویت خود با تجربه‌های مختلف مواجه شده است، بسته به میزان بازبودن به تجربه ممکن است این تجربه‌ها را به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر

یا بسته پردازش کند. بنابراین، بازبودن به تجربه می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت فراشناختی عمل کند که چگونگی ترجمه وضعیت هویتی به جهت‌گیری سیاسی را تعیین می‌نماید. این تفسیر با پژوهش‌هایی که ارتباط شخصیت و نگرش‌های سیاسی را گزارش کرده‌اند، همسو است (Furnham & Cheng, 2019; Gheiyor-Vahdat & Farahani, 2018). همچنین، نقش بازبودن به تجربه در گرایش به مشارکت سیاست‌گذاری و فعالیت سیاسی نیز در مطالعات پیشین مورد حمایت قرار گرفته است (Schwartz-Tayri, 2021).

یافته‌ها همچنین نشان دادند که توافق‌پذیری در رابطه برخی وضعیت‌های هویتی، به‌ویژه هویت به‌تعویق‌افتاده و زودشکل‌یافته، با نگرش سیاسی نقش میانجی داشت. این نتیجه را می‌توان بر اساس ماهیت بین‌فردی توافق‌پذیری تبیین کرد. توافق‌پذیری با اعتماد، همکاری، همدلی و گرایش به حفظ روابط هماهنگ مرتبط است و ممکن است نحوه تبدیل تعهدات یا تعارض‌های هویتی به نگرش‌های سیاسی را تعدیل و جهت‌دهی کند. افراد دارای وضعیت هویتی ناپایدارتر یا دارای تعهدات شکل‌گرفته بدون کاوش کافی، ممکن است در مواجهه با مسائل سیاسی بیشتر تحت تأثیر شیوه تعامل با دیگران و تمایل به پذیرش یا اجتناب از تعارض قرار گیرند. وجود رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و تعصب، کنترل خشم و واکنش‌های اجتماعی نیز در مطالعات قبلی نشان داده شده است (Yavari Kermani et al., 2022). همچنین، پژوهش‌های مربوط به نگرش سیاسی تأکید کرده‌اند که تفاوت‌های شخصیتی می‌توانند در شدت پذیرش اقتدار، سنت‌گرایی و جهت‌گیری‌های سیاسی نقش داشته باشند (Duckitt & Bizumic, 2013; Jost et al., 2017).

در حوزه نگرش اجتماعی نیز نتایج نشان داد که بازبودن به تجربه رابطه تمامی ابعاد هویت با نگرش اجتماعی را میانجی‌گری کرد. این یافته بر اهمیت ظرفیت شناختی برای پذیرش دیدگاه‌های تازه در تبدیل ساختار هویتی به ارزیابی‌های اجتماعی تأکید دارد. فردی که از بازبودن بیشتری برخوردار است، احتمالاً تفاوت‌های فرهنگی، ارزشی و سبک‌های مختلف زندگی را با انعطاف بیشتری ارزیابی می‌کند. بنابراین، حتی اگر وضعیت هویتی فرد با تردید، تعهد زود هنگام یا سردرگمی همراه باشد، میزان بازبودن به تجربه می‌تواند شکل و جهت اثر آن وضعیت بر نگرش اجتماعی را تغییر دهد. این نتیجه با یافته فراتحلیل شخصیت و نگرش‌های فرهنگی که ارتباط بازبودن به تجربه با نگرش‌های فرهنگی را نشان داده است، همخوانی دارد (Blais-Rochette et al., 2022). همچنین، با توجه به اینکه دانشگاه بستری برای مواجهه با دیدگاه‌های متعدد و تجربه‌های نو فراهم می‌کند، نقش بازبودن به تجربه در دانشجویان می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند (Hashemian-Far et al., 2021; Madahi et al., 2021).

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که روان‌رنجورخویی در مسیر برخی وضعیت‌های هویتی به نگرش اجتماعی نقش میانجی داشت. روان‌رنجورخویی با حساسیت هیجانی، اضطراب، نگرانی و تجربه بیشتر هیجان‌های منفی همراه است. بنابراین، در وضعیت‌های هویتی که با تردید، تعارض یا عدم تثبیت کامل تعهدات همراه‌اند، هیجانات منفی می‌توانند نحوه تفسیر روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند. فرد دارای روان‌رنجورخویی بالاتر ممکن است موقعیت‌های اجتماعی را تهدیدآمیزتر ارزیابی کرده و نگرش خود را بر پایه نگرانی یا واکنش هیجانی شکل دهد. این تبیین با پژوهش‌هایی سازگار است که ویژگی‌های شخصیتی را با مشکلات هیجانی، تکانشگری، نوموفوبیا و رفتارهای ناسازگارانه مرتبط دانسته‌اند (Akbarzadeh et al., 2023; Ensanimehr et al., 2022; Salgi et al., 2021). همچنین، ارتباط ابعاد شخصیت با اضطراب، افسردگی و سایر مشکلات روان‌شناختی در جمعیت دانشجویی تأیید شده است (Farah Bijari et al., 2015). از این رو، اثر روان‌رنجورخویی در مسیر هویت و نگرش اجتماعی را می‌توان بیشتر از طریق سازوکار عاطفی و حساسیت نسبت به عدم قطعیت تفسیر کرد. وظیفه‌شناسی نیز در برخی مسیرهای هویت به نگرش اجتماعی نقش میانجی نشان داد. این ویژگی با نظم، کنترل تکانه، پیگیری اهداف و تعهد به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مرتبط است. افرادی که در فرآیند هویت‌یابی به تعهدات مشخصی دست یافته‌اند یا در مرحله بررسی فعال گزینه‌های هویتی قرار دارند، در صورت برخورداری از وظیفه‌شناسی بیشتر احتمالاً این تعهدات را در قالب رفتارها و نگرش‌های اجتماعی باثبات‌تر سازمان می‌دهند. یافته‌های مربوط به ارتباط سبک پردازش هویت با پریشانی اخلاقی نیز نشان می‌دهد که نحوه سازمان‌دهی هویت می‌تواند با ارزیابی‌های اخلاقی و مسئولیت فرد ارتباط داشته باشد (James et al., 2023). همچنین، نظریه پنج‌عاملی شخصیت،

وظیفه‌شناسی را به خودتنظیمی، هدف‌مندی و پایبندی نسبت به وظایف مرتبط می‌داند (McCrae & Costa, 2021). بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که وظیفه‌شناسی از طریق تقویت سازمان‌یافتگی رفتاری و مسئولیت‌پذیری، تعهدات هویتی را به نگرش اجتماعی منسجم‌تری متصل می‌کند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که رابطه میان تفکیک خویشتن، ابعاد هویت و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی را نمی‌توان صرفاً بر اساس مسیرهای مستقیم تبیین کرد. بخش قابل‌توجهی از این روابط از طریق ویژگی‌های شخصیتی، به‌ویژه بازبودن به تجربه و وظیفه‌شناسی، منتقل می‌شود. این نتیجه با رویکردهای جدید شخصیت هماهنگ است که صفات شخصیتی را نه صرفاً مجموعه‌ای از ویژگی‌های ثابت، بلکه گرایش‌هایی بنیادی می‌دانند که در تعامل با تجربه، هویت و محیط، به الگوهای متفاوت نگرش و رفتار منجر می‌شوند (McCrae & Costa, 2021). همچنین، ارتباط همزمان شخصیت و هویت با مشارکت سیاسی در مطالعات پیشین تأیید شده است (Madahi et al., 2021) و مطالعات درباره شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی نیز بر نقش انگیزه‌های روان‌شناختی، شخصیت و نحوه پردازش تهدید و عدم قطعیت تأکید کرده‌اند (Jost et al., 2017). مطلوب بودن شاخص‌های برازش مدل پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که الگوی پیشنهادی از کفایت تجربی مناسبی برخوردار بوده و استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری برای بررسی این روابط چندلایه مناسب بوده است (Habibi & Adenvar, 2017). بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی، به‌ویژه بازبودن به تجربه، نقش یک پل روان‌شناختی را میان ساختارهای درونی خود و هویت با نگرش‌های اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند.

پژوهش حاضر با چند محدودیت همراه بود. نخست، نمونه پژوهش تنها از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز انتخاب شد و استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم نتایج به سایر دانشگاه‌ها، گروه‌های سنی و مناطق جغرافیایی را محدود می‌کند. دوم، ماهیت مقطعی پژوهش امکان استنباط روابط علی قطعی میان متغیرها را فراهم نمی‌سازد و جهت روابط مشاهده‌شده باید با احتیاط تفسیر شود. سوم، تمامی متغیرها با استفاده از ابزارهای خودگزارشی اندازه‌گیری شدند و بنابراین احتمال سوگیری مطلوبیت اجتماعی، خطای یادآوری و پاسخ‌دهی الگومند وجود دارد. همچنین، برخی متغیرهای زمینه‌ای از جمله وضعیت اقتصادی-اجتماعی، گرایش‌های فرهنگی خانواده، تجربه فعالیت سیاسی، میزان استفاده از رسانه‌ها و شدت مشارکت اجتماعی در مدل کنترل نشدند. محدود بودن مطالعات پیشین درباره نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی میان تفکیک خویشتن و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نیز مقایسه مستقیم یافته‌ها با پژوهش‌های مشابه را دشوار ساخت.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده مدل حاضر را در میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف، گروه‌های سنی متفاوت و نمونه‌هایی از مناطق فرهنگی و جغرافیایی گوناگون تکرار کنند تا قابلیت تعمیم یافته‌ها بررسی شود. استفاده از طرح‌های طولی می‌تواند مسیر تحول هویت، تغییرات شخصیت و شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی و اجتماعی را در طول زمان روشن‌تر سازد. همچنین پیشنهاد می‌شود متغیرهایی مانند انعطاف‌پذیری شناختی، تنظیم هیجان، همرنگی اجتماعی، تاب‌آوری، هوش هیجانی، اضطراب اجتماعی، سواد رسانه‌ای و مشارکت مدنی به‌عنوان میانجی یا تعدیل‌گر وارد مدل‌های آینده شوند. استفاده همزمان از پرسشنامه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، سناریوهای موقعیتی و شاخص‌های رفتاری نیز می‌تواند وابستگی به داده‌های خودگزارشی را کاهش دهد. بررسی تفاوت مدل براساس جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته دانشگاهی و سابقه فعالیت اجتماعی یا سیاسی نیز می‌تواند به فهم دقیق‌تر شرایط مرزی روابط مشاهده‌شده کمک کند.

با توجه به نقش برجسته بازبودن به تجربه و وظیفه‌شناسی، دانشگاه‌ها و مراکز مشاوره دانشجویی می‌توانند برنامه‌هایی برای تقویت انعطاف‌پذیری شناختی، تفکر انتقادی، پذیرش دیدگاه‌های متفاوت، خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری طراحی کنند. برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی، تفکیک خویشتن، تصمیم‌گیری مستقل، مدیریت هیجان و گفت‌وگوی سازنده درباره مسائل اجتماعی می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا ضمن حفظ استقلال فکری، تعامل مؤثرتری با دیدگاه‌های متفاوت داشته باشند. همچنین، ایجاد فضاهای دانشگاهی امن برای بحث و تبادل نظر، فعالیت‌های گروهی چندرشته‌ای و مشارکت در برنامه‌های اجتماعی می‌تواند فرصت مناسبی برای تجربه تنوع دیدگاه‌ها و رشد هویتی فراهم

آورد. مشاوران دانشگاهی نیز می‌توانند در ارزیابی مشکلات مرتبط با سردرگمی هویتی، واکنش‌پذیری هیجانی یا وابستگی شدید به تأیید دیگران، به نقش همزمان شخصیت و تفکیک خویش‌شن توجه کرده و مداخلات متناسب‌تری ارائه دهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

University education represents a critical developmental context in which young adults encounter new intellectual, cultural, interpersonal, and political experiences. Beyond its educational function, the university environment can influence students' worldviews, value systems, identities, social judgments, and orientations toward political and social issues. Exposure to diverse perspectives and expanded social networks encourages students to reassess previously acquired beliefs and develop increasingly autonomous positions on public matters. Accordingly, students' political and social attitudes cannot be fully explained solely by demographic or environmental factors; rather, they emerge through the interaction of personality, identity development, family experiences, and broader social influences. Previous research has demonstrated that both family and university contexts contribute to the development of students' socio-political orientations (Hashemian-Far et al., 2015), while personality and ego identity have also been associated with students' political participation (Madahi et al., 2021).

Political attitudes encompass individuals' relatively stable evaluations, beliefs, and orientations regarding political authority, ideology, social order, traditions, and public affairs. Social attitudes similarly represent patterns of cognitive and affective evaluation concerning other individuals, groups, institutions, and social phenomena. Contemporary attitude research emphasizes that such orientations are multidimensional and shaped by complex cognitive and contextual processes (Sherman & Klein, 2021). Within political psychology, authoritarianism, conservatism, and traditionalism have been conceptualized as related but distinguishable dimensions of political orientation (Duckitt & Bizumic, 2013). Psychological needs for order, certainty, security, and responses to perceived threat may also contribute to ideological differences (Jost et al., 2017). These findings highlight the importance of identifying psychological mechanisms that underlie individual differences in political and social attitudes.

One potentially important psychological factor is self-differentiation. Self-differentiation refers to an individual's capacity to maintain intellectual and emotional autonomy while remaining meaningfully connected to others. Within Bowen's family systems framework, highly differentiated individuals are better able to distinguish cognitive processes from emotional reactions and preserve an independent position under interpersonal or systemic pressure (Goldenberg & Goldenberg, 2024). Research conducted among Iranian families has confirmed the importance of self-differentiation for psychological and relational functioning (Seyed-Majidi et al., 2023). Its multidimensional structure and relevance across cultural contexts have also received empirical support (Neophytou et al., 2021). Moreover, lower differentiation has been associated with stress and maladaptive psychological outcomes (Buser et al., 2019), whereas family-based problem-solving interventions may contribute to greater differentiation (Zein-Alabedini & Kakabarai, 2024). Thus, self-differentiation may influence how individuals respond to social pressure, conflicting viewpoints, and ideological expectations.

Identity constitutes another central psychological foundation of socio-political orientation. Identity development involves the exploration, evaluation, and commitment processes through which individuals

establish relatively coherent understandings of who they are and what values, beliefs, and goals they endorse. Contemporary approaches conceptualize identity as an evolving process rather than a fixed psychological state (Sawatsky & Monrouxe, 2023). Cognitive dispositions, identity-processing styles, and identity commitments also appear to influence one another over time (Berzonsky & Papini, 2022). Consequently, individuals characterized by different identity statuses may approach social and political information differently. Empirical evidence has linked identity-related processes to political participation (Dastouri et al., 2023), collective cultural identity to social participation (Safaei & Ahmadpour, 2025), and identity styles to other psychological characteristics (Askarian Moghadan et al., 2013). Identity-processing style has additionally been associated with morally significant psychological experiences, further suggesting that identity organization affects how individuals interpret value-laden situations (James et al., 2023).

Personality traits may provide an important mechanism through which self-differentiation and identity are translated into political and social attitudes. Personality refers to relatively stable patterns of cognition, affect, and behavior that influence adaptation to environmental demands (Atkinson et al., 2022; Karimi, 2023). The Five-Factor Model describes personality through Neuroticism, Extraversion, Openness to Experience, Agreeableness, and Conscientiousness. These broad tendencies interact with contextual experiences and acquired adaptations to influence attitudes and behavior (McCrae & Costa, 2021). Previous studies have linked personality characteristics to political attitudes (Gheiyor-Vahdat & Farahani, 2018), political interest and voting behavior (Furnham & Cheng, 2019), and willingness to engage in policy-related activities (Schwartz-Tayri, 2021). Meta-analytic evidence has also demonstrated meaningful relationships between personality characteristics and cultural attitudes (Blais-Rochette et al., 2022). Personality characteristics have further been associated with numerous behavioral and emotional outcomes among students and young people (Akbarzadeh et al., 2023; Ensanimehr et al., 2022; Farah Bijari et al., 2015; Salgi et al., 2021; Yavari Kermani et al., 2022).

Among these traits, Openness to Experience may be particularly important because it reflects intellectual curiosity, cognitive flexibility, receptivity to novel ideas, and willingness to reconsider existing assumptions. Conscientiousness may contribute through self-regulation, responsibility, organization, and adherence to personally meaningful commitments. Neuroticism may operate through emotional instability and sensitivity to uncertainty, whereas Agreeableness and Extraversion may influence orientations through interpersonal processes. Social orientation itself has been associated with ethical and interpersonal behavior (Gheiyor-Baghbani et al., 2016; Hashemi et al., 2014). Taken together, previous findings suggest that personality traits may not merely function as independent predictors but may constitute mechanisms connecting deeper structures of self and identity to socio-political orientations. However, relatively little research has simultaneously examined self-differentiation, multiple identity statuses, personality traits, and political and social attitudes within a unified mediation model. Therefore, the present study aimed to investigate the mediating role of personality traits in the relationships of self-differentiation and identity dimensions with political and social attitudes among university students.

Methods and Materials

The study employed a descriptive-correlational, cross-sectional design using path analysis and structural equation modeling. The statistical population consisted of students enrolled at Islamic Azad University, Tabriz Branch, during the 2023–2024 academic year. Based on recommendations regarding adequate sample size for structural equation modeling and the number of latent variables included in the proposed model, 300 students were selected through convenience sampling. Eligibility criteria included being over 20 years of age and studying at the undergraduate level or above. Participants who did not complete the questionnaires, declined participation, or provided apparently random or patterned responses were excluded.

Data were collected using the Self-Differentiation Questionnaire, the Extended Objective Measure of Ego Identity Status-2, the NEO Five-Factor Inventory, the Right-Wing Authoritarianism Scale, and the Harrison Social Orientation Scale. The identity instrument assessed achieved, foreclosure, moratorium, and diffused identity statuses, whereas the NEO inventory assessed Neuroticism, Extraversion, Openness to Experience, Agreeableness, and Conscientiousness. Political attitude was evaluated using the Right-Wing Authoritarianism Scale, and social attitude was assessed through the Harrison Social Orientation Scale. Participation was voluntary, written informed consent was obtained, and confidentiality and withdrawal rights were ensured. Data were analyzed using SPSS-24 and AMOS-24. Pearson correlations were calculated, assumptions for structural equation modeling were evaluated, direct and indirect effects were tested, and bootstrapping was used to assess mediation. Model adequacy was evaluated using χ^2/df , CFI, GFI, TLI, and RMSEA.

Findings

The final sample consisted of 300 students. Preliminary analysis indicated acceptable normality, absence of substantial multivariate outliers, and adequate internal consistency of the measures. Pearson correlations demonstrated significant relationships among several components of self-differentiation, identity status, personality traits, and political and social attitudes.

Path analysis showed that self-differentiation had no statistically significant direct effect on either political attitude ($\beta=-0.120$) or social attitude ($\beta=0.048$). Among identity dimensions, achieved identity had a significant direct effect on political attitude ($\beta=-0.122$), whereas foreclosure, moratorium, and diffused identities did not show significant direct effects on political attitude. Regarding social attitude, foreclosure identity had a significant negative direct effect ($\beta=-0.194$), while moratorium ($\beta=0.122$) and achieved identity ($\beta=0.179$) had significant positive direct effects. Diffused identity had no significant direct effect on social attitude.

Bootstrapping analysis indicated that Openness to Experience significantly mediated the relationship between self-differentiation and political attitude ($\beta=-0.045$). Self-differentiation also exerted significant indirect effects on social attitude through Openness to Experience ($\beta=0.046$) and Conscientiousness ($\beta=0.061$).

Openness to Experience significantly mediated the relationships of all four identity statuses with political attitude: diffused identity ($\beta=0.097$), moratorium identity ($\beta=-0.042$), achieved identity ($\beta=-0.046$), and foreclosure identity ($\beta=0.080$). Agreeableness additionally mediated the effects of moratorium ($\beta=-0.039$) and foreclosure identity ($\beta=-0.047$) on political attitude.

For social attitude, Openness to Experience again emerged as the most consistent mediator, mediating the pathways from diffused ($\beta=0.097$), moratorium ($\beta=-0.043$), foreclosure ($\beta=-0.082$), and achieved identity ($\beta=0.026$) to social attitude. Moratorium identity also showed significant indirect effects through Neuroticism ($\beta=0.036$) and Conscientiousness ($\beta=0.044$), while achieved identity showed a significant indirect effect through Conscientiousness ($\beta=-0.059$). The final structural model demonstrated acceptable fit, with $\chi^2/df=2.89$, CFI=0.94, GFI=0.93, TLI=0.95, and RMSEA=0.072.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that personality traits constitute important psychological pathways linking self-differentiation and identity organization with university students' political and social attitudes. A particularly important result was the absence of significant direct effects of self-differentiation on either political or social attitudes alongside the presence of significant indirect pathways. This pattern suggests that the influence of self-differentiation is not necessarily expressed directly in socio-political orientations. Instead, the capacity to maintain cognitive and emotional autonomy may first shape dispositional characteristics through which individuals interpret and respond to social and political environments.

Openness to Experience emerged as the most consistent mediator in the model. It mediated the relationship between self-differentiation and both types of attitudes and also mediated the relationships between every identity status and political and social attitudes. This pattern highlights cognitive flexibility, intellectual

curiosity, and receptivity to alternative viewpoints as particularly important mechanisms through which internal structures of self and identity become translated into broader orientations toward society and politics. Individuals who are capable of considering novel information and revising existing assumptions may transform their identity experiences into more differentiated socio-political evaluations.

Conscientiousness played a more selective role, particularly in pathways leading to social attitudes. Its mediation of the effects of self-differentiation and some identity statuses suggests that self-regulation, organization, responsibility, and commitment may help convert internal psychological organization into more stable social orientations. Neuroticism also showed a limited but significant mediating role in some identity-related pathways to social attitudes, suggesting that emotional instability and sensitivity to uncertainty may become particularly important when identity commitments remain unsettled or psychologically demanding. Agreeableness contributed to selected pathways from identity status to political attitude, indicating that interpersonal harmony and responsiveness to others may also influence how certain identity configurations are expressed politically.

The significant direct effects of achieved identity on political and social attitudes further underscore the importance of identity consolidation. A relatively coherent identity developed through exploration and commitment appears to provide a more organized foundation for evaluating social and political issues. At the same time, the significant direct effects of moratorium and foreclosure identity on social attitudes indicate that even less fully consolidated identity configurations can influence social orientations, although potentially through different psychological processes.

Overall, the acceptable fit of the structural model supports a multidimensional explanation of students' socio-political attitudes in which self-differentiation and identity status operate in conjunction with personality characteristics rather than as isolated predictors. The results suggest that Openness to Experience is the most prominent psychological bridge connecting the internal organization of self and identity with political and social attitudes, while Conscientiousness, Neuroticism, and Agreeableness contribute to more specific pathways. Accordingly, understanding students' political and social orientations requires attention not only to their identity commitments and capacity for psychological differentiation but also to the personality-based cognitive, emotional, and behavioral mechanisms through which these internal structures are expressed in social life.

References

- Akbarzadeh, M. M., Imani, S., & Shahidi, S. (2023). The Relationship Between Personality Traits and Phubbing Behavior in Students: Mediating Role of Smartphone Addiction. *Contemporary psychology*, 18(2), 9-23. <https://doi.org/10.29252/bjcp.18.2.9>
- Askarian Moghadan, H., Bagheri, F., Jazayeri, M., & Amiri, H. (2013). Association between Emotional Comparison of Emotional Intelligence and Identity Styles in Women with Major Depression and Normal Women. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 14(2), 109-119. <https://sanad.iau.ir/fa/Journal/jsrp/Article/892134>
- Atkinson, R. L., Atkinson, R. C., Smith, E. E., Bem, D. J., & Nolen-Hoeksema, S. (2022). *Hilgard's Introduction to Psychology*. Roshd Publishing.
- Berzonsky, M. D., & Papini, D. R. (2022). Cross-Lagged Associations between Cognitive Dispositions, Identity Processing Styles, and Identity Commitments. *Self and identity*, 21(8), 963-979. <https://doi.org/10.1080/15298868.2021.2013309>
- Blais-Rochette, C., Miranda, D., & Kljajic, K. (2022). A Meta-Analysis on Personality and Cultural Attitudes. *Canadian Psychology*, 63(1), 1-15. <https://doi.org/10.1037/cap0000264>
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., & Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal Self-Injury, Stress, and Self-Differentiation. *Adultspan Journal*, 18(1), 4-16. <https://doi.org/10.1002/adsp.12065>
- Dastouri, A., Shayegan, F., & Mohseni-Tabrizi, A. (2023). The Role of Identity Action in Political Participation of Iranian Women. *Political Science*, 26(1), 188-217. <https://doi.org/10.22081/psq.2023.64060.2659>
- Duckitt, J., & Bizumic, B. (2013). Multidimensionality of Right-Wing Authoritarian Attitudes: Authoritarianism-Conservatism-Traditionalism. *Political Psychology*, 34(6), 841-862. <https://doi.org/10.1111/pops.12022>

- Ensanimehr, L., Parchami Khorram, M., Ensanimehr, N., & Imani, S. (2022). Predicting Nomophobia Based on Personality Traits and Sleep Quality: The Mediating Role of Anxious Thoughts. *Contemporary psychology*, 16(2), 73-87. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20081243.1402.16.2.6.4>
- Farah Bijari, A., Peivastegar, M., & Sadr, M. S. (2015). The Relationship between Resiliency with Five Dimensions of Personality and Clinical Disorders (Depression, Anxiety, and Somatization) in Female Undergraduate Students of Alzahra University. *Journal of Psychological Studies*, 11(3), 53-78. <https://doi.org/10.22051/psy.2015.2076>
- Furnham, A., & Cheng, H. (2019). Personality Traits and Socio-Demographic Variables as Predictors of Political Interest and Voting Behavior in a British Cohort. *Journal of Individual Differences*, 40(2), 118-125. <https://doi.org/10.1027/1614-0001/a000283>
- Gheiyor-Baghbani, S. M., Shojaei-Kalateh-Bali, N., Chenarani, H., & Ashouri-Jamal, J. (2016). Relationship of Organizational Commitment, Job Satisfaction, and Social Orientation with Nurses' Ethical Behavior. *Medical Ethics Journal*, 10(37), 27-36. <https://doi.org/10.22037/mej.v10i37.14738>
- Gheiyor-Vahdat, B., & Farahani, M. (2018). Relationship of HEXACO Personality Traits with Political Attitudes of Tehran Citizens. *Journal of Social Psychology Research*, 8(29), 59-76.
- Goldenberg, I., & Goldenberg, H. (2024). *Family Therapy*. Ravan.
- Habibi, A., & Adenvar, M. (2017). *Structural Equation Modeling and Factor Analysis: A Practical LISREL Guide*. Jahad-e-Daneshgahi.
- Hashemi, T., Arianpour, E., & Mashinchi-Abbasi, N. (2014). The Role of Social Orientation in Ethical Behavior with the Mediating Role of Spirituality. *Social Cognition*, 3(1), 30-44. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223782.1393.3.1.3.9>
- Hashemian-Far, A., Dehqani, H., & Farasatkah, M. (2015). Modern Socio-Political Attitudes of Students and the Impact of Family and University. *Applied Sociology*, 26(3), 39-56. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1394.26.3.3.1>
- James, K., Maccallum, F., & McKimmie, B. (2023). Identity Processing Style and Moral Distress. *British Journal of Psychology*, 116(2), 354-366. <https://doi.org/10.1111/bjop.12756>
- Jost, J. T., Stern, C., Rule, N. O., & Sterling, J. (2017). The Politics of Fear: Is There an Ideological Asymmetry in Existential Motivation? *Social Cognition*, 35(4), 324-353. <https://doi.org/10.1521/soco.2017.35.4.324>
- Karimi, Y. (2023). *Personality Psychology*. Virayesh Publishing.
- Madahi, M., Besharat, M. A., & Tabatabaei-Mir, S. F. (2021). The Role of Personality Traits and Ego Identity in the Political Participation of Basij Students. *Military Psychology*, 12(46), 89-115. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25885162.2021.12.46.5.6>
- McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (2021). Understanding Persons: From Stern's Personalistics to Five-Factor Theory. *Personality and individual differences*, 169, 109816. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.109816>
- Neophytou, K., Schweer-Collins, M. L., Rodríguez-González, M., Jódar, R., & Skowron, E. A. (2021). The Differentiation of Self Inventory-Revised: A Validation Study in the Greek Cultural Context. *The American Journal of Family Therapy*, 49(2), 185-203. <https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1783388>
- Safaei, S., & Ahmadpour, S. (2025). The Relationship between Dimensions of Collective Cultural Identity and Citizens' Social Participation: Case Study of Tabriz. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, 15(59), 209-228.
- Salgi, F., Aghajani, T., & Ansari-Nejad, N. (2021). Prediction of Impulsivity in Adolescents Based on Personality Traits and Social Problem-Solving Skills. *Applied Family Therapy Quarterly*, 2(2), 324-340. <https://doi.org/10.22034/afth.2021.145604>
- Sawatsky, A. P., & Monrouxe, L. V. (2023). When I Say... Identity. *Medical Education*, 57(4), 303-304. <https://doi.org/10.1111/medu.15027>
- Schwartz-Tayri, T. M. (2021). The Willingness of Social Work Students to Engage in Policy Practice: The Role of Personality Traits and Political Participation Predictors. *The British Journal of Social Work*, 51(7), 2381-2398. <https://doi.org/10.1093/bjsw/bcaa065>
- Seyed-Majidi, S., Salehi, K., Madani, Y., & Shahmoradi, S. (2023). A Meta-Analysis of Self-Differentiation Studies in Iranian Families. *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences*, 45(2), 101-116. <https://doi.org/10.34172/mj.2023.017>
- Sherman, J. W., & Klein, S. A. (2021). The Four Deadly Sins of Implicit Attitude Research. *Frontiers in psychology*, 11, 604340. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.604340>
- Yavari Kermani, M., Alipour, T., Sadat Shafiee, F., & Shahbazi Moghadam, S. (2022). Comparison of Personality Characteristics, Anger Control and Ethnic Prejudice among Native and Non-Native People of Yasouj City in 2021. *Contemporary psychology*, 16(3), 37-48. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20081243.1402.16.2.3.1>
- Zein-Alabedini, M. H., & Kakabarai, K. (2024). Effectiveness of Problem-Solving Training Based on Family Approaches on Couples' Differentiation. *Sadra Medical Sciences Journal*, 12(2), 193-201. <https://doi.org/10.30476/smsj.2024.99039.1423>